

شعراى مدرسه علميه امام صادق عليه السلام چهارباغ اصفهان

اهتمام

حسن اهتمام فرزند غلامحسين متولد ۱۲۹۸ در رهنان و متوفى ۱۳۷۹ ق، تحصيلات در مدرسه علميه امام صادق عليه السلام چهارباغ اصفهان و بعدا در نجف اشرف، در زمان جنگ جهانى اول به دنبال صنعت رفت، متخلص به اهتمام، ديوان دارند.

از اشعار اوست اين اشعار كه تعدادش زياد ولى حرف الف در آن نيست.

دوش پيرى در نظر شد جلوه گر
مهر رويش شد در درون دل شرر
به چه پيرى سر خوشي و روشن ضمير
چهره روشن تر ز خورشيد منير
مرغ دل شد در كمندش چون مقيم
سر خود گفتم بدو بى ترس و بيم

وبعد گفتگو هاى زياد در تخلص مى گويد:

لفظ كوشى گر معرب شد صحيح
ميشود روشن تخلص بس صحيح

تبيان

مرتضى تبيان فرزند غلامحسين خادم الشريعه متولد ۱۳۳۶ق و متوفى ۱۳۸۸ ش در سامان شهرکرد، تحصيلات در مدرسه چهارباغ و كاسه گران و در تهران دانشكده الهيات و گرفتن جواز مدرسى و در مشهد درس ادب نيشابورى مى رفتند. -استاد دانشگاه آزاد اسلامى شهرکرد،

متخلص به تبيان. از اشعار اوست:

پرشده روى زمين زمان بسيجى
بر شده بر آسمان مقام بسيجى
قلت و كثرت به نزد اوست برابر
پرز مى وحدت است جام بسيجى
تيره كند روزگار كفر جهانى
نهضت و سرسختى و قيام بسيجى
دين و سياست يكي است در نظر او
بر همگان واجب احترام بسيجى

حيرت طالخونچه اى

ملا مهدي متخلص به حيرت طالخونچه اى و از طلاب مدرسه چهارباغ، شاعر، در مدح سيد حجت الاسلام شفتى گفته است:

هر كه بگزیده است جا در سايه تقليد تو
ايمنى از آفتاب روز محشر يافته
تا بود دوران تو باشى زانكه هر ساعت ز تو
دين خير المرسلين ترويج ديگر يافته

زاهد

شيخ محمد على زاهد شهرضاى معروف به ابوالمعارف قمشه اى فرزند حسين، متولد ۱۲۹۰ق و متوفى ۱۳۳۲ش و مدفون در امامزاده شاهرضا، تحصيلات در مدرسه چهارباغ و از شاگردان آخوند كاشى و جهانگير خان، عالم و عارف جهانديده و زاهد راه پيموده، مدرس و حكيم و مؤسس مدارس جديد در قمشه، نسب خور ا به عابى اين شبيب شاكرى از شهداء كربلا مى رساندند.

شاعر صاحب ديوان و متخلص به زاهد، از اشعار اوست

بر در مدرسه علم گذر بايى كرد
پيش استاد خرد كسب هنر بايد كرد
مرد عامى به حقوق بشرى پى نبرد
خويش را با خبر از نفع و ضرر بايد كرد

هر که در حفظ وطن کوشش مردانه نکرد آبش از سررود و خاک به سر باید کرد

واز اشعار اوست :

سر بر سر عاشقی نهادیم	اما چه ثمر نبود قابل
از دولت وصل ماند محروم	از عشق هر آنکه گشت غافل
کس را نبود به کوی دل راه	تا طی نکند هزار منزل
دیوانه عشق کی کند گوش	اندرز حکیم و پند و عاقل
(زاهد) منما شکایت از یار	خود آمده ای میانه حائل

قلزم

قلزم، محمد حسن قلزم فرزند ملا محمد متولد ۱۲۶۰ش در وردنجان شهرکرد و متوفی ۱۳۲۷ش و مدفون در قریه نافج چهارمحال، ۲۰سال در مدرسه چهارباغ اصفهان به تحصیل همت گماشت. ذو فنون و دارای اجتهاد از آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی،

دیوان اشعار دارد. شاعر متخلص به قلزم، از اشعار اوست

چه شد که پرشی از این زار بینوا کردی	شها چه رفت که یاد از من گدا کردی
منم که از نظر هر کسی فراموشم	تو یا من که فراموشم از کجا کردی
اگر به خون کشی از تیر قهر (قلزم)	خلاف محض بود گویم ار جفا کردی

فیاض انوشی

احمد فیاض انوشی سدهی فرزند مصطفی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۶۶ ش و مدفون در سده، مجتهد و مدرس شایسته در حوزه علمیه اصفهان، از اشعار ایشان است :

ای آنکه در میان خوبان بگانه ای	خوبی گلرخان ز رخت یک نشانه ای
خوبان سزد که دور تو گردند جملگی	پروانه وار زانکه تو شمع میانه ای
ای شاخ گل ترا چه زبان می رسد اگر	بلبل کند بکوشه تو آشیانه ای
(فیاض) صبر کن که زمانی شود ترا	روزی وصال یارگر اهل هوا نه ای

فیروز آبادی

سید مهدی فیروز آبادی حسین آبادی، اهل فیروز آباد میبد یزد بود. سالها در مدرسه چهارباغ تحصیل نمود. سپس به دعوت مردم حسین آباد جرقویه به آنجا مهاجرت نمود و در همانجا بسال ۱۳۰۴ش از دنیا رفت .

شاعر متخلص به افسرده از اشعار اوست:

گر چهره آن یوسف ثانی ببینی	شک نیست که یک جهان پراز جان بینی
گریسته صفت غنچه لب بگشاید	سر چشمه آب زندگانی بینی

صادق دارابی

صادق دارابی، متولد ۱۳۵۵ش در نور آباد ممسنی به دنیا آمد سالها در مدرسه امام صادق علیه السلام به تحصیل و تدریس مشغول بود شاعر متخلص به دارابی، از اشعار اوست

شگسته در نفس سردخانه گل بانو
وزن فتیله فانوس می کشد بالا

غریب و خسته و غمگین و دست بر زانو
صدای شیبه اسبی کنار چادرها

خیراللهی متخلص به شیدا

محمود خیراللهی فرزند عبدالرحیم متولد ۱۳۲۹ ش در اصفهان، عالم و مدرس در حوزه و دانشگاه اصفهان، متخلص به شیدا، از اشعار اوست:

دین و خود را چو به پیمانہ اداء خواهیم کرد
بخت اگر یار شود نوبت جانبازی را
زانکه خورسندی محبوب تماشای گل است
شوق دیدار چنان موج زند در دل من
نغمه خون چونکه سرایم ز سرا پرده دل
کاسه لبریز می از جام فنا خواهیم کرد
بین که در عرصه پیکار چها خواهیم کرد
هستیم را گل تسلیم و رضا خواهیم کرد
که چو شد بزم لقا عزم بقا خواهیم کرد
بزم شاهد همه پر نور و صفا خواهیم کرد

خودسیانی

سجاد خودسیانی فرزند منوچهر، متولد ۱۳۴۹ ش از طلاب جدید ورود مدرسه چهارباغ، از اشعار اوست

پیر مردی خمیده می آمد
میر ساندش مقابل حرمت
میرود سمت پنجره فولاد
چشمهایش دخیل بر گنبد
اشکهایش دلیل دل تنگی
چقدر خسته از مسیری که
با همان حال سر بزیری که
می نشیند به حالتی خسته
با همان حال سر بزیری که
چشمهایش بسوی تو خیره

موسوی

سید عارف موسوی، فرزند خلیل، متولد ۱۳۵۳ ش، خرمشهر. طلبه مدرسه چهارباغ، و دانشگاه اهواز رشته زبان و ادبیات فارسی و شاغل در نیروی انتظامی اصفهان

کتابهای منظوم قرآن، کوچه های خاطره، تاریخ مشعشیان. از اشعار اوستو در منظوم سوره توحید:

به نام ایزدی کارام جان است
نباشد از برایش هیچ فرزند
بگو او باشد آن الله یکتا
که بخشنده و هم مهربان است
نه فرزند کسی باشد خداوند
که باشد بی نیاز آن حق تعالی

یاسایی،

میرزا عبدالله خان یاسایی متولد ۱۳۱۱ق و متوفی حدود ۱۳۶۰ق در قریه مهرجرد یزد، معروف به صدر الادبایزدی تحصیلات حوزوی در یزد و اصفهان مدرسه چهارباغ، بعدا وارد خدمات دولتی شد و ریاست دادگستری و وکالت مجلس شورای ملی در دوره های مختلف داشته است از اشعار اوست:

باهر که ما ز راه وفا دست داده ایم
درهای خانه بر عسی حیلہ باز باز
سر نیزه کی ملاحظه دارد از اینکه ما
از دست بی وفائی اش از پا افتاده ایم
ما باز هم به غفلت و سرمست باد هایم
نوشیروان نواده و سیروس زاده ایم